

تاثیر مکانیسم های داخلی و خارجی شامل قدرت مدیرعامل و مالکیت نهادی بر ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب از مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

علیرضا اسکندری ۱، الناز بک محمدی ۲، علیرضا حبیبی ۳

۱ استادیار گروه حسابداری، دانشکده حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ورامین - پیشوا، ورامین، تهران، ایران
 ۲ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ورامین - پیشوا، ورامین، تهران، ایران
 ۳ استادیار گروه بازرگانی، عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی اهل بیت، دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه بین المللی اهل بیت، تهران، ایران

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تعیین میزان اثرگذاری مکانیسم های داخلی و خارجی شامل قدرت مدیرعامل و مالکیت نهادی بر ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب از مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، انجام شد. به همین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۲۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۶ انتخاب شد. تحقیق حاضر بر مبنای هدف، از نوع کاربردی و بر مبنای ماهیت و روش، از نوع توصیفی و همبستگی می‌باشد. همچنین از لحاظ بعد زمانی، تحقیق پس رویدادی است. در این تحقیق از تخصص مالی مدیرعامل به عنوان متغیر مستقل و از اجتناب مالیاتی به عنوان متغیر وابسته و دو متغیر قدرت مدیرعامل و مالکیت نهادی را به عنوان متغیرهای تعدیل کننده استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که هر سه فرضیه تحقیق مورد تایید قرار گرفت. به عبارت دیگر بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این بدان معناست که اگر مدیرعامل شرکت دارای تخصص مالی باشند می توانند اجتناب مالیاتی یا به عبارتی فرار مالیاتی را در شرکت خود افزایش دهند.

نتیجه فرضیه دوم بیان می دارد که قدرت مدیرعامل ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را به صورت مثبت تعدیل می کند. این بدان معناست که اگر مدیرعامل شرکت علاوه بر اینکه دارای تخصص مالی است دارای قدرت لازم نیز می باشد این امر می تواند اجتناب مالیاتی شرکت را نیز بیشتر کند. نتیجه فرضیه سوم بیان می دارد که مالکیت نهادی ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را به صورت منفی تعدیل می کند. این بدان معناست که اگر میزان مالکیت نهادی در شرکت افزایش یابد امکان اینکه یک مدیرعامل متخصص بتواند اجتناب مالیاتی انجام دهد کاهش می یابد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، تخصص مالی مدیرعامل، اجتناب مالیاتی.

مقدمه

یکی از موارد مهم برای منابع درآمدی آینده، مالیات است. مالیات علاوه بر تامین مالی مورد نیاز دولت، نقدینگی را نیز کنترل کرده و ضمن توزیع بهتر درآمد و ثروت کشور، آن‌ها را در محل‌های مناسب خرج می‌کند. اجتناب مالیاتی و فرار از پرداخت مالیات در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی از آنچه برآورد شده است کمتر باشد. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون و همکاران^۱، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است. بنابراین از آنجایی که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است، از این رو به نظر می‌رسد بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدود کننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد بنابراین به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند (قرنجک و گرکز، ۱۳۹۷).

- بیان مسئله تحقیق

مالیات، هزینه‌ای است که بر تمام واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند. در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه مالیات خود را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند. به طور متداول، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به ابزارهای صرفه جویی مالیاتی اطلاق می‌شود که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین، ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

از دیدگاه مبانی نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیاتهای پرداختی است (هانلون و هیتمن^۲، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی است، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است. بنابراین، از آنجا که اجتناب مالیاتی فعالیتی به ظاهر قانونی است، به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدود کننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (خانی و همکاران، ۱۳۹۳).

مدیران مسئول تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و انجام برنامه‌ریزی‌های عملیاتی شرکت هستند. به دلیل ایجاد تغییرات سریع و رقابت شدید در محیط کسب و کار، استراتژی‌های متنوع اتخاذ شده توسط مدیران، تعیین‌کننده آینده شرکت می‌باشد و در نتیجه نقش مهمی بر روی ارزش آتی شرکت دارند. یکی از این تصمیمات بسیار مهم مدیریتی، اجتناب از مالیات است. از دیدگاه سنتی اجتناب از مالیات، فعالیتی با ارزش افزوده برای شرکت‌ها است که موجب انتقال ثروت از دولت به سهامداران می‌شود (پارک و همکاران^۳، ۲۰۱۶).

شرکت‌های خصوصی به منظور کاهش هزینه‌ها، تلاش می‌کنند تا از پرداخت مالیات اجتناب کنند. آنها دائماً به دنبال پیدا کردن راه‌های جدیدتری برای فرار از پرداخت مالیات هستند و برای دست یافتن به این مهم اقدام به استخدام مدیران متخصص و آشنا به قوانین مالیاتی می‌کنند تا از آشنایی آنها به ابهامات و نقاط ضعف موجود در قوانین و مقررات مالیاتی استفاده کنند و از پرداخت مالیات اجتناب کنند و در نهایت باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری شرکت شوند. (آقایی و همکاران، ۱۳۹۷). دایرینگ و همکاران^۴ (۲۰۱۰) نشان دادند ویژگی‌های منحصر به فرد مدیران یکی از عوامل مهم اجتناب

¹ Hanlon et all.

² Hanlon & Heitzman

³ Park and ell.

⁴ Dyreng et all.

مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد، در حالی که ویژگی‌هایی مثل میزان آموزش و تحصیلات مدیران و جنس و سن آن‌ها نمی‌توانند عوامل تعیین‌کننده‌ای در اجتناب مالیاتی شرکت‌ها باشد. آرمسترانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۵) نشان دادند که میتوان به اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان یک فرصت سرمایه‌گذاری جایگزین نگاه کرد. به همین ترتیب این مورد دو اثر متضاد بر ارزش شرکت دارد از یک طرف باعث افزایش ارزش سهام و از سوی دیگر باعث افزایش هزینه سرمایه می‌شود.

دلایل متعددی وجود دارد که می‌توان پیش‌بینی کرد یک رابطه بین تخصص مالی مدیران اجرایی و اجتناب از مالیات وجود دارد.

با توجه به مطالب گفته شده ما در تحقیق حاضر به دنبال این موضوع هستیم که آیا اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تحت تاثیر تخصص مالی مدیران اجرایی شرکت‌ها قرار می‌گیرد یا خیر و همچنین به دنبال بررسی این موضوع که چگونه اقدامات داخلی و خارجی حاکمیت شرکتی بر این رابطه تاثیر می‌گذارد؟

اهداف تحقیق

۱- بررسی و تبیین ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی.

۲- تاثیر قدرت مدیرعامل بر ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی.

۳- تاثیر مالکیت نهادی بر ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی.

فرضیات پژوهش

فرضیه اصلی اول: بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: قدرت مدیرعامل ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

فرضیه اصلی سوم: مالکیت نهادی ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

پیشینه تحقیق

قرنچیک و گرکز (۱۳۹۷)؛ در پژوهش خود به بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مورد استفاده در این تحقیق، درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل و درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی می‌باشد و برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از سه متغیر نرخ موثر مالیات، نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات استفاده گردید. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۷ لغایت ۱۳۹۱ بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی با نرخ موثر مالیات، نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات معناداری وجود دارد اما بین دوگانگی وظایف مدیرعامل با نرخ موثر مالیات، نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین نتایج این تحقیق وجود رابطه معنادار بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت را مورد تایید قرار می‌دهد.

آقایی و همکاران (۱۳۹۷)؛ در پژوهش خود، تاثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار داده‌اند. شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش اجتناب از پرداخت مالیات، نرخ موثر مالیاتی دفتری، نرخ موثر مالیاتی نقدی و نرخ موثر مالیاتی نقدی بلندمدت هستند. نمونه آماری شامل ۱۲۲ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران است که طی سال‌های ۸۷ تا ۹۳ بررسی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین توانایی مدیریتی و هر سه معیار استفاده شده برای اجتناب از پرداخت مالیات، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که مدیران تواناتر، بیشتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند که منجر به کاهش پرداخت‌های مالیات توسط شرکت می‌گردد. از طرفی، نتایج نشان‌دهنده این است شرکت‌هایی که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب

¹ Armstrong et all.

مالیاتی می‌شوند. به طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های شرکت، توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت موثر است.

مولایی نیا و عسگری (۱۳۹۷)، در پژوهش خود به بررسی رابطه میان کیفیت پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. به منظور اندازه‌گیری پاداش هیئت مدیره بر مبنای ماده ۱۳۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در صورتی که در اساسنامه پیش بینی شده باشد، مجمع عمومی میتواند مطابق با ماده ۲۴۱ همین قانون، نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت را به عنوان پاداش به اعضای هیئت مدیره تخصیص دهد، استفاده شده است. برای اجتناب مالیاتی از نسبت هزینه مالیات به درآمد قبل بهره و مالیات استفاده شده است. همچنین، متغیرهای ارزش بازار به ارزش دفتری، اندازه شرکت، سودآوری، اهرم مالی و فروش به کل دارایی‌ها به عنوان متغیرهای کنترلی تاثیرگذار بر اجتناب مالیاتی، وارد مدل شده‌اند. برای آزمون فرضیه‌ها تعداد ۹۰ شرکت که طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۴ عضو بورس اوراق بهادار بوده‌اند، انتخاب شدند، در این تحقیق از رگرسیون تلفیقی و روش EGLS استفاده شده است. نتایج نشان داد که پاداش هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر هر چه میزان پاداش هیئت مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد.

حمیدیان (۱۳۹۶)؛ پژوهشی با هدف، بررسی رابطه بین ابعاد راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام داد. داده‌های مورد استفاده، از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ استخراج شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش بیانگر این است که بین نسبت اعضاء غیر موظف هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی آن‌ها رابطه معنی داری وجود ندارد و نیز بین میزان مالکیت و نفوذ دولت در شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنی داری وجود ندارد سایر فرضیه‌های این پژوهش حاکی از آن است که بین نوسان پذیری بازده، ریسک تجاری بالا، پاداش هیئت مدیره، سهام تحت تملک اعضای هیئت مدیره و درصد سهام شناور آزاد با اجتناب مالیاتی رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار و بین ریسک تجاری پایین، تفکیک مدیر عامل از اعضاء- و مالکیت سهامداران نهادی با اجتناب مالیاتی، رابطه منفی و معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید شده تلقی گردیده است.

دیانتی دیلمی و شکرالهی (۱۳۹۴)؛ در پژوهش خود اثر سازوکارهای نظام راهبری بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی و میزان ارزش وجوه نقد نگهداری شده در شرکت، مورد بررسی قرار داده‌اند. به این منظور داده‌های استخراج شده از ۶۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ از طریق مدل رگرسیون با استفاده از داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سازوکارهای نظام راهبری قوی موجب می‌شوند که رابطه بین اجتناب مالیاتی و سطح نگهداشت وجه نقد و ارزش وجه نقد نگهداری شده در شرکت ضعیف شود.

هانگ و ژانگ^۱ (۲۰۱۹)؛ تحقیقی تحت عنوان "تجربه مالی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها" انجام داده‌اند. آنها به این نتیجه دست یافتند که یک رابطه منفی و قابل توجهی بین تخصص مالی مدیران اجرایی و نرخ موثر مالیاتی وجود دارد. همچنین دریافتند که زمانی که مکانیسم حاکمیت شرکتی ضعیف باشد رابطه بین نرخ مالیاتی موثر و تخصص مالی مدیران اجرایی قوی است.

جیهنی و موز (۲۰۱۹)؛ تحقیقی تحت عنوان "تاثیر کیفیت حسابرسی بر ارتباط پاداش مدیران و اجتناب مالیاتی: شواهدی از بورس تونس" انجام داده‌اند. آنها نمونه‌ای از ۶۷ شرکت در بورس تونس از سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ مورد استفاده قرار داده‌اند. آنها دریافتند که بین پاداش مدیران و اجتناب مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین دریافتند که کیفیت حسابرسی ارتباط بین پاداش مدیران و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

¹ Huang & Zhang.

دووان و همکاران (۲۰۱۸) تاثیر شهرت مدیران عامل بر اجتناب مالیاتی در شرکت های اس اند پی ۵۰۰ برای دوره مالی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ را مورد بررسی قرار دادند. نمونه استخراجی آنها متسکل از تعداد ۲۸۴۱ مدیرعامل بود که در این پژوهش از نام کامل مدیرعامل و دستگاه نگاری بهای سهام شرکت ها برای بدست آوردن شاخص حجم بررسی برای مدیران عامل استفاده گردید. یافته های آنها بر اساس مدل اثرات ثابت صنعت و سال نشان داد که مدیران عامل دارای شهرت بیشتر، به گونه ای مدیریت می کنند که نرخ موثر مالیات پایین تری داشته باشند. همچنین آنها استدلال کردند که شرکت های با مدیران عامل دارای شهرت بیشتر، حق الزحمه های بالاتری به حسابرسان پرداخت می کنند و این نشان می دهد که مدیران عامل این شرکت ها قصد دارند از خدمات برنامه ریزی مالیاتی حسابرسان بیشتر استفاده کنند.

پارک و همکاران^۱ (۲۰۱۶)؛ به بررسی توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی در شرکت های کره ای طی سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج پژوهش نشان دهنده رابطه منفی و معنادار بین توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی بود. نتایج نشان دادند که رابطه منفی و معنادار بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت بود. بعلاوه، نتایج نشان دهنده این بود که مدیران با توانایی بالاتر منجر به کاهش رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت می شوند. به طور کلی، نتایج پژوهش بیانگر تاثیر توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب از مالیات شرکت است.

کاستر و همکاران^۲ (۲۰۱۶)؛ به بررسی نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت طی سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج نشان دادند مدیران با توانایی بیشتر موجب افزایش اجتناب از مالیات شرکت ها می شوند. از طرفی، نتایج نشان دادند که در حرکت از چارک پایین تر به بالاتر توانایی مدیریتی با کاهش ۳/۱۵ درصدی در یک سال (۲/۵ درصدی در پنج ساله) در نرخ موثر مالیات نقدی یک شرکت مرتبط است. همچنین یافته ها گویای این مطلب است که مدیران توانمند برای کاهش پرداخت مالیات از راه های مختلفی استفاده می کنند. از جمله این راه ها عبارت اند از: تعامل در فعالیت های برنامه ریزی مالیاتی دولتها، سوق دادن درآمد بیشتر به سمت درآمد های خارجی و استفاده از پناهگاه های مالیاتی خارجی، ایجاد طرح و توسعه اعتباری و سرمایه گذاری بیشتر در دارایی های که شتاب کسر استهلاک آنها بالاست.

روش تحقیق

طرح پژوهش این تحقیق از نوع تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است. از طرف دیگر، پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است. براساس اهداف نیز از نوع تحقیق کاربردی به حساب می آید.

- جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ می باشد. که اطلاعات مالی مورد نیاز به ویژه صورت های مالی، گزارش حسابرسان مستقل و یادداشت های همراه صورت های مالی به منظور استخراج داده های مورد لزوم در دسترس باشند.

نمونه آماری تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. نمونه آماری عبارت است از تعداد محدودی از آحاد جامعه آماری که بیان کننده ویژگی های اصلی جامعه باشد (آذر و مؤمنی، ۱۳۸۹). در این تحقیق برای این که نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه آماری مورد نظر باشد، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. برای این منظور ۵ معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده و مابقی حذف می شوند. روند انتخاب نمونه در جدول (۱) ارائه شده است.

نمایه (۱). روند انتخاب نمونه	
۵۰۵	تعداد کل شرکت های پذیرفته شده در بورس در پایان سال ۱۳۹۶
(۱۷۶)	تعداد شرکتهایی که در قلمروز زمانی ۹۰-۹۶ در بورس فعال نبوده اند

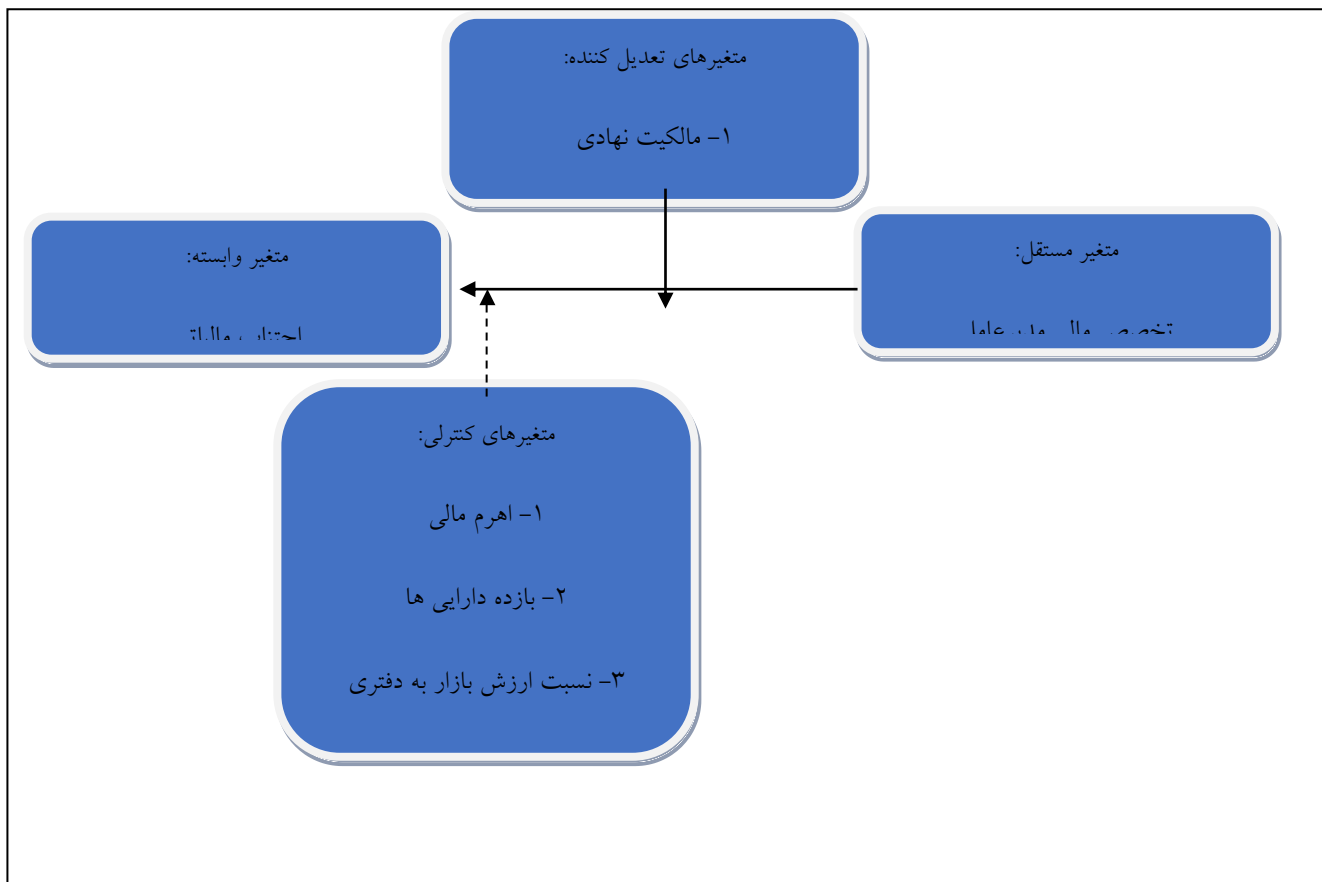
¹ Park and ell

² Koester et all.

(۴۶)	تعداد شرکتهایی که بعد از سال ۱۳۹۰ در بورس پذیرفته شده اند
(۵۳)	تعداد شرکتهایی که جزء هلدینگ، سرمایه گذاری ها، واسطه گری مالی، بانک ها و لیزینگ بوده اند
(۵۴)	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی تحقیق تغییر سال مالی داده یا سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند نمی باشد
(۵۰)	تعداد شرکتهایی که در قلمرو زمانی تحقیق اطلاعات مورد آنها در دسترس نمی باشد
۱۲۱	تعداد شرکت های نمونه

بعد از مدنظر قرار دادن کلیه معیارهای بالا، تعداد ۱۲۱ شرکت به عنوان جامعه غربالگری شده باقیمانده است. که همه آن ها به عنوان نمونه انتخاب شده اند. از این رو مشاهدات ما طی بازه زمانی ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۶ به ۸۴۷ سال - شرکت (۷ سال × ۱۲۱ شرکت) می رسد.

روش جمع آوری داده ها به منظور تدوین مبانی نظری تحقیق و گردآوری داده ها از روش کتابخانه ای و آرشیوی که شامل کتاب ها، مقالات و اسناد و مدارک مربوط به تحقیق است بهره برده می شود و داده های مورد نیاز از طریق سایت رسمی بورس اوراق بهادار، نرم افزار ره آورد نوین دریافت می شود. مدل های تحقیق:



استفاده نمودند، بهره گرفته شده است که مدل مزبور به شرح ذیل می باشد:

¹ Hasan & Bhasin

مدل مورد استفاده برای فرضیه اول:

$$ETR = \beta_0 + \beta_1 CEOFIN_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 SALE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل مورد استفاده برای فرضیه دوم:

$$ETR = \beta_0 + \beta_1 CEOFIN_{it} + \beta_2 (CEOFIN \times CEO\ power)_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 SALE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل مورد استفاده برای فرضیه سوم:

$$ETR = \beta_0 + \beta_1 CEOFIN_{it} + \beta_2 (CEOFIN \times institutional\ ownership)_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 SALE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

ETR: اجتناب مالیاتی

CEOFIN: تخصص مالی مدیرعامل

institutional ownership: مالکیت (سرمایه گذاری) نهادی

CEO power: قدرت مدیرعامل

LEV: اهرم مالی

ROA: بازده دارایی ها

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

SIZE: اندازه شرکت

SALE: رشد فروش

ε : جزء خطای مدل رگرسیون می باشد.

آزمون و تحلیل فرضیه ها

- آزمون و تحلیل فرضیه اول

فرضیه اول: بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به فرضیه ارائه شده، فرضیه آماری به صورت زیر بیان می شود:

H_0 : بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه معنی داری وجود دارد.

H_1 : بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه معنی داری وجود ندارند.

نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی تحقیق در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول ۲- نتایج آزمون مدل رگرسیونی

$ETR = \beta_0 + \beta_1 CEOFIN_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 SALE_{it} + \varepsilon_{it}$				
اجتناب مالیاتی (<i>ETR</i>)				
نتیجه	سطح معنی داری	آماره t	ضرایب	متغیر
-	۰/۰۰۰۰	۷/۷۹۲	۰/۱۰۴	عرض از مبدا
تایید	۰/۰۰۰۱	۳/۹۵۴	۰/۰۰۰۱	تخصص مالی مدیرعامل
رد	۰/۹۸۱۳	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰۰	اهرم مالی
تایید	۰/۰۰۰۰	-۶/۸۳۳	-۰/۰۴۲	بازده دارایی ها
رد	۰/۲۳۰۹	۱/۱۹۹	۰/۰۰۲۰	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
رد	۰/۱۴۱۳	۱/۴۲۷	۰/۰۰۳۲	اندازه شرکت

تایید	۰/۰۰۷۲	-۲/۶۹۶	-۰/۰۰۲۱	رشد فروش
۱/۵۱۷	دوربین - واتسون (D-W)		۰/۷۸۶	ضریب تعیین (R ²)
۲۱۷/۴۹۹ (۰/۰۰۰۰)	آماره F (Prob. F)		۰/۷۵۳	ضریب تعیین تعدیل شده (Adj. R ²)

برای بررسی خوبی مدل، معمولاً از معیارهای ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده و دوربین واتسون و برای بررسی معنی داری مدل نیز از آماره F استفاده می‌شود. همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۷۸ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۷۵ می‌باشد که نشان دهنده قدرت توضیح دهنده و برازش مدل می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده به این معناست که ۷۵ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق، توضیح داده می‌شوند آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۵۱۷ می‌باشد، و از آنجایی که بازه ۱/۵ تا ۲/۵ نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی در جزء خطای مدل وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۲۱۷/۴۹۹ و مقدار احتمال آن نیز برابر ۰/۰۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است، لذا معنی داری مدل تایید می‌شود. با توجه به جدول (۲) مقدار ضریب، آماره تی استیودنت و مقدار سطح معنی داری برای فرضیه اول، به ترتیب برابر ۰/۰۰۰۱، ۳/۹۵۴۴ و ۰/۰۰۰۱ شده است. از آنجایی که سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد شده است بنابراین فرض صفر رد و فرض یک پذیرفته می‌شود. به عبارتی دیگر بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه معنی داری وجود دارد که با توجه به علامت ضریب و آماره تی استیودنت این رابطه مثبت و مستقیم می‌باشد (تایید فرضیه اول).

آزمون و تحلیل نتیجه فرضیه دوم

فرضیه دوم: قدرت مدیرعامل ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند. با توجه به فرضیه ارائه شده، فرضیه آماری به صورت زیر بیان می‌شود:

H₀: قدرت مدیرعامل ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

H₁: قدرت مدیرعامل ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی‌کند.

نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی تحقیق در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول ۳- نتایج آزمون مدل رگرسیونی

$ETR = \beta_0 + \beta_1 CEOFIN_{it} + \beta_2 (CEOFIN \times CEO\ power)_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 SALE_{it} + \varepsilon_{it}$				
اجتناب مالیاتی (ETR)				
نتیجه	سطح معنی داری	آماره t	ضرایب	متغیر
-	۰/۰۰۰۰	۷/۵۵۶	۰/۱۱۹	عرض از مبدا
تایید	۰/۰۰۱۰	۳/۳۱۴	۰/۰۰۰۱	تخصص مالی مدیرعامل
تایید	۰/۰۰۰۰	۴/۷۹۲	۰/۰۰۱	تخصص مالی مدیرعامل * قدرت مدیرعامل
رد	۰/۴۲۴۳	-۰/۷۹۹	-۰/۰۰۱	اهرم مالی
تایید	۰/۰۰۰۰	-۷/۲۹۱	-۰/۰۵۳	بازده دارایی ها

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰/۰۰۱	-۰/۶۰۵	۰/۵۴۵۰	رد
اندازه شرکت	۰/۰۰۱	۰/۴۴۲	۰/۶۵۸۴	رد
رشد فروش	-۰/۰۰۱	-۱/۹۹۶	۰/۰۴۶۳	تایید
ضریب تعیین (R^2)	۰/۷۹۵	دوربین - واتسون (D-W)		۱/۵۳۰
ضریب تعیین تعدیل شده (Adj. R^2)	۰/۷۳۳	آماره F (Prob. F)		۲۰۷/۳۴۱۲ (۰/۰۰۰۰)

برای بررسی خوبی مدل، معمولاً از معیارهای ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده و دوربین واتسون و برای بررسی معنی‌داری مدل نیز از آماره F استفاده می‌شود. همانطور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۷۹٪ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۷۳٪ می‌باشد که نشان دهنده قدرت توضیح دهنده و برازش مدل می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده به این معناست که ۷۳ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق، توضیح داده می‌شوند آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۵۳۰ می‌باشد، و از آنجایی که بازه ۱/۵ تا ۲/۵ نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی در جزء خطای مدل وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۲۰۷/۳۴۱۲ و مقدار احتمال آن نیز برابر ۰/۰۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است، لذا معنی‌داری مدل تایید می‌شود. با توجه به جدول (۳) مقدار ضریب، آماره تی استیودنت و مقدار سطح معنی‌داری برای فرضیه دوم، به ترتیب برابر ۰/۰۰۱، ۴/۷۹۲ و ۰/۰۰۰۰ شده است. از آنجایی که سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد شده است بنابراین فرض صفر رد و فرض یک پذیرفته می‌شود. به عبارتی دیگر قدرت مدیرعامل ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه تعدیل می‌کند که با توجه به علامت ضریب و آماره تی استیودنت این تعدیل مثبت و مستقیم می‌باشد (تایید فرضیه دوم).

آزمون و تحلیل نتیجه فرضیه سوم

فرضیه سوم: مالکیت نهادی ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

با توجه به فرضیه ارائه شده، فرضیه آماری به صورت زیر بیان می‌شود:

H_0 : مالکیت نهادی ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

H_1 : مالکیت نهادی ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی‌کند.

نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی تحقیق در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول ۴- نتایج آزمون مدل رگرسیونی

$ETR = \beta_0 + \beta_1 CEOFIN_{it} + \beta_2 (CEOFIN \times INST)_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 SALE_{it} + \varepsilon_{it}$				
اجتناب مالیاتی (ETR)				
نتیجه	سطح معنی‌داری	آماره t	ضرایب	متغیر
-	۰/۰۰۰۱	۴/۰۲۱	۰/۱۰۸	عرض از مبدا
تایید	۰/۰۰۰۳	۳/۶۷۷	۰/۰۲۶	تخصص مالی مدیرعامل
تایید	۰/۰۰۱۴	-۳/۲۰۲	-۰/۰۰۰۳	تخصص مالی مدیرعامل * مالکیت نهادی
رد	۰/۹۸۵۹	-۰/۰۱۷	-۰/۰۰۰۱	اهرم مالی

بازده دارایی ها	-۰/۰۴۵	-۳/۲۶۰	۰/۰۰۱۲	تایید
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۰۱	۰/۸۸۱	۰/۳۷۸۵	رد
اندازه شرکت	۰/۰۰۲	۰/۵۹۲	۰/۵۵۳۶	رد
رشد فروش	-۰/۰۰۲	-۰/۹۹۱	۰/۳۲۱۷	رد
ضریب تعیین (R^2)	۰/۸۱۳	دوربین - واتسون (D-W)		۱/۵۲۷
ضریب تعیین تعدیل شده (Adj. R^2)	۰/۷۶۱	آماره F (Prob. F)		۲۰۰/۹۱۷۸ (۰/۰۰۰۰)

برای بررسی خوبی مدل، معمولاً از معیارهای ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده و دوربین واتسون و برای بررسی معنی داری مدل نیز از آماره F استفاده می‌شود. همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۸۱ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۷۶ می‌باشد که نشان دهنده قدرت توضیح دهنده و برازش مدل می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده به این معناست که ۷۶ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق، توضیح داده می‌شوند آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۵۲۷ می‌باشد، و از آنجایی که بازه ۱/۵ تا ۲/۵ نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی در جزء خطای مدل وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۲۰۰/۹۱۷۸ و مقدار احتمال آن نیز برابر ۰/۰۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است، لذا معنی داری مدل تایید می‌شود. با توجه به جدول (۴) مقدار ضریب، آماره تی استیودنت و مقدار سطح معنی داری برای فرضیه سوم، به ترتیب برابر ۰/۰۰۰۳، ۳/۲۰۲ و ۰/۰۰۱۴ شده است. از آنجایی که سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد شده است بنابراین فرض صفر رد و فرض یک پذیرفته می‌شود. به عبارتی دیگر مالکیت نهادی ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه تعدیل می‌کند که با توجه به علامت ضریب و آماره تی استیودنت این تعدیل منفی و معکوس می‌باشد (تایید فرضیه سوم).

نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف تعیین میزان اثرگذاری حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب از مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، انجام شد. به همین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۲۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۶ انتخاب شد. تحقیق حاضر بر مبنای هدف، از نوع کاربردی و بر مبنای ماهیت و روش، از نوع توصیفی و همبستگی می‌باشد. همچنین از لحاظ بعد زمانی، تحقیق پس رویدادی است. در این تحقیق از تخصص مالی مدیرعامل به عنوان متغیر مستقل و از اجتناب مالیاتی به عنوان متغیر وابسته و دو متغیر قدرت مدیرعامل و مالکیت نهادی را به عنوان متغیرهای تعدیل کننده استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که هر سه فرضیه تحقیق مورد تایید قرار گرفت توضیحات بیشتر به قرار زیر می‌باشد:

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	متغیر تعدیل کننده	ضریب	آماره تی	احتمال	نتیجه	نوع رابطه
اول	تخصص مالی مدیرعامل	اجتناب مالیاتی	-	۰/۰۰۰۱	۳/۹۵۴	۰/۰۰۰۱	تایید	مثبت و مستقیم
دوم	تخصص مالی مدیرعامل	اجتناب مالیاتی	قدرت مدیرعامل	۰/۰۰۱۴	۴/۷۹۲	۰/۰۰۰۰	تایید	مثبت و مستقیم
سوم	تخصص مالی مدیرعامل	اجتناب مالیاتی	مالکیت نهادی	-۰/۰۰۰۳	-۳/۲۰۲	۰/۰۰۱۴	تایید	منفی و معکوس

نتایج فرضیه اول

فرضیه اول تحقیق بیان می کند که بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه معنی داری وجود دارد. که نتیجه تحقیق نشان از پذیرفته شدن فرضیه تحقیق دارد به عبارتی دیگر بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد این بدان معناست که اگر مدیرعامل شرکت دارای تخصص مالی باشند می توانند اجتناب مالیاتی یا به عبارتی فرار مالیاتی را در شرکت خود افزایش دهند. نتایج فرضیه اول با تحقیقات آقایی و همکاران (۱۳۹۷)، حسنی القار و شعری آناقیز (۱۳۹۶) سازگار می باشد.

نتایج فرضیه دوم

فرضیه دوم تحقیق بیان می دارد که قدرت مدیرعامل ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل می کند که نتیجه تحقیق نشان از پذیرفته شدن فرضیه تحقیق دارد به عبارتی دیگر قدرت مدیرعامل ارتباط مثبت بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل مثبت می کند این بدان معناست که اگر مدیرعامل شرکت علاوه بر اینکه دارای تخصص مالی است دارای قدرت لازم نیز باشد این امر می تواند اجتناب مالیاتی شرکت را نیز بیشتر نماید. اگر مدیران شرکت ها توانایی بالایی داشته باشند (تخصص مالی و قدرت) باعث می شود آنها درک بهتری از محیط عملیاتی شرکت پیدا کنند. از این رو آنها را قادر می سازد که تصمیمات تجاری بهتری با استراتژی های مالیاتی بگیرند و فرصت برنامه ریزی مالیاتی را تعیین کنند. بنابراین اگر قدرت یک مدیرعامل در شرکت افزایش یابد باعث می شود ارزش افزوده ای برای فعالیت های اجتناب مالیاتی ایجاد و افزایش یابد و این امر خود سبب می شود که فعالیت اجتناب مالیاتی یک گزینه سرمایه گذاری با جذابیت بیشتر برای مدیران ایجاد نماید. نتیجه فرضیه دوم با تحقیقات آقایی و همکاران (۱۳۹۷)، حسن القار و شعری آناقیز (۱۳۹۶)، کاسترو و همکاران (۲۰۱۶) سازگار می باشد.

نتایج فرضیه سوم

فرضیه سوم بیان می دارد که مالکیت نهادی ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل می کند که نتیجه تحقیق نشان از پذیرفته شدن فرضیه تحقیق دارد به عبارتی دیگر مالکیت نهادی ارتباط مثبت بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تعدیل منفی می کند این بدان معناست که اگر میزان مالکیت نهادی در شرکت افزایش یابد امکان اینکه یک مدیرعامل متخصص بتواند اجتناب مالیاتی انجام دهد را کاهش می دهد. بنابراین در صورتی که اجتناب مالیاتی را انعکاسی از نظریه نمایندگی در نظر بگیریم به نظر می رسد، مالکیت نهادی در ایران، به عنوان مکانیسم نظارتی (خارجی) قوی در کاهش هزینه نمایندگی عمل می کند. نتایج فرضیه سوم با تحقیقات قرنچیک و گرکز (۱۳۹۷)، حمیدیان (۱۳۹۶)، هانگ و ژانگ (۲۰۱۹) سازگار می باشد.

منابع

منابع فارسی:

ابراهیمی کردلر، علی. (۱۳۸۶). "نظام راهبری شرکتی و نقش سهامداران نهادی در آن"، دانش و پژوهش حسابداری، سال سوم، شماره ۸.

احمدپور، احمد؛ کاشانی پور، محمد و شجایی، محمدرضا. (۱۳۸۹). "بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر هزینه تامین مالی از طریق بدهی (استقراض)"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۲، صص ۱۷-۳۲.

آقایی، محمد علی؛ حسنی، حسن و باقری، حسن. (۱۳۹۷). "نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۵۷، سال ۱۴، صص ۲۴-۴۲.

پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن و امینی نیا، میثم. (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱۴، شماره ۵۲، صص ۶۹-

جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ بهنمون، یعقوب؛ بهزادی، نهاد و شکوری، سمیرا. (۱۳۹۵). "بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت با تاکید بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشای شرکتی"، راهبرد مدیریت مالی، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۲۵-۴۸.

حساس یگانه، یحیی؛ هاشمی، سید هادی (۱۳۸۷). "مرور مبانی و مدل های مختلف حاکمیت شرکتی". حسابداری، شماره ۲۰۱؛ صص ۳۹-۳۴.

حسینی القار، مسعود، شعری آناقیز، صابر. (۱۳۹۶). "بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی"، مجله دانش حسابداری، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۳۴.

حمیدیان، محسن. (۱۳۹۶). "بررسی ابعاد مختلف راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش سرمایه گذاری، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۲۲۴-۲۲۹.

خانی، عبدالله؛ ایمانی، کریم و ملایی، مهنام. (۱۳۹۳). "بررسی رابطه بین تخصص حسابرسان در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابرسی، شماره ۵۱، دوره ۱۳، صص ۱-۲۵.

خواجوی، شکراله، غلامرضا، رضایی و مرتضی، باقری. (۱۳۹۷). "بررسی نقش واسطه ای قابلیت های مدیران بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علمی راهبرد مدیریت مالی، دوره ۶، شماره ۲، صفحه ۱۱-۳۴.

سرداری، سید مجتبی. (۱۳۹۶). "بررسی تاثیر کمیته حسابرسی بر هزینه های نمایندگی در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

صراف، فاطمه؛ محمدی، مهسا (۱۳۹۵). "بررسی حاکمیت شرکتی و پاسخگویی با تاکید بر آیات قرآن". مطالعات حسابداری و حسابرسی، سال ششم، شماره ۲۱.

عطاء الهی، لیلا؛ راستی، محمد رضا (۱۳۹۲). نظام حاکمیت شرکتی و جایگاه آن در سیستم بانکی. بانک سپه. شماره ۱۴۵. صص ۳۵-۴۰.

فرزین وش، اسداله؛ دادگر، یداله؛ مهرآرا، محسن؛ نجارزاده، ابوالفضل (۱۳۹۶). "نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص های عملکرد نظام بانکی". فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۸۲، سال ۲۵، صص ۳۱۰-۲۶۱.

قرنچیک، آرزو و گرکز، منصور. (۱۳۹۷). "بررسی رابطه بین برخی مکانیزم های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابرسی، سال هجدهم، شماره ۷۰، صص ۱۷۵-۱۹۳.

مولایی نیا، رضا و محمدرضا عسگری. (۱۳۹۷). "بررسی رابطه بین کیفیت پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پنجمین کنفرانس اقتصاد و مدیریت کاربردی با رویکرد ملی، بابل، دانشگاه بوعلی سینا همدان - شرکت پژوهشی طرود شمال - دانشگاه سیستان و بلوچستان - دانشگاه پیام نور مرکز یزد - شبکه پژوهشگران ایرانی، https://www.civilica.com/Paper-TOROUD05-TOROUD05_037.html

مولایی نیا، رضا؛ علی نوبری تبریزی و محمدرضا عسگری. (۱۳۹۶). "رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان - دانشگاه علمی کاربردی شوشتر، https://www.civilica.com/Paper-MEAHBT01-MEAHBT01_358.html

مهرانی، ساسان؛ فروغی، داریوش، کردتبار، حسین؛ رسائیان، امیر (۱۳۹۰). "بررسی تاثیر ابزارهای حاکمیت شرکتی در کاهش شدت مدیریت سود". فرآیند مدیریت توسعه، شماره ۷۶، صص ۵۲-۷۸.

یزدانیان، نعیم. (۱۳۸۶). "تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود". پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری. دانشگاه علامه طباطبایی.

منابع خارجی.

Agrawal, K. K. (2007). Corporate Tax Planning (Vol. 1). Atlantic Publishers & Dist.

- Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.
- Bayar, O., Huseynov, F., & Sardarli, S. (2018). Corporate Governance, Tax Avoidance, and Financial Constraints. *Financial Management*, 47(3), 651-677.
- Desai, M., Dharmapala, S. (2009), Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *The Review of Economics and Statistics*, 91 (3): 537-546.
- Duan, T., Ding, R., Hou, W., & Zhang, J. Z. (2018). The burden of attention: CEO publicity and tax avoidance. *Journal of Business Research*, 87, 90-101.
- Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85(4), 1163-1189.
- Frank, M., Lynch, L., & Rego, S. (2009). Are financial and tax reporting aggressiveness reflective of broader corporate policies. *The Accounting Review*, 84(2), 467-498.
- Gallemore, J., & Labro, E. (2015). The importance of the internal information environment for tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 149-167.
- Gillan, S. L., Jay C. H., & Laura T. S. (2003). Explaining Corporate Governance: Boards, Bylaws, and Charter Provisions, Working paper.
- Gravelle, J. G. (2013). Tax Havens: International Tax Avoidance and Evasion, Congressional Research Service.
- Hanlon, M., and S. Heitzman. (2010). A review of tax research *Journal of accounting and economics*, 50(2178-127):3.
- Huang, H., & Zhang, W. (2019). Financial expertise and corporate tax avoidance. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 1-15.
- Jihene, F., & Moez, D. (2019). The Moderating Effect of Audit Quality on CEO Compensation and Tax Avoidance: Evidence from Tunisian Context. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 9(1), 131-139.
- Koester, A., Shevlin, T., & Wangerin, D. (2016). The role of managerial ability in corporate tax avoidance. *Management Science*, 63(10), 3285-3310.
- McDonald, M. (2008). Income shifting from transfer pricing: Further evidence from tax return data. *OTA Technical Paper*, 2.
- McGill, G. A., & Outslay, E. (2004). Lost in translation: Detecting tax shelter activity in financial statements. *National Tax Journal*, 739-756.
- McGuire, S. T., Omer, T. C., & Wang, D. (2012). Tax avoidance: Does tax-specific industry expertise make a difference? *The Accounting Review*, 87(3), 975-1003.
- Park, J., Ko, C. Y., Jung, H., & Lee, Y. S. (2016). Managerial ability and tax avoidance: evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 23(4), 449-477.
- Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84(3), 969-999